

# نظریه فرایند و ساختار شناخت دکارت

## در بررسی و تقدیر استاد مصباح

عبدالحسین خسرو پناه<sup>۱</sup>، حسام‌الدین مؤمنی<sup>۲</sup>

### چکیده

هرگاه سخن از فرایند و ساختار کسب شناخت بمیان می‌آید، اعتقاد به امکان حصول آن در تقدیر موجود است. بواقع اگر فردی در شکاکیت مطلق یا شبهه در امکان کسب شناخت باشد، هرگز نمیتواند فرایند و ساختار کسب آن را ترسیم نماید. با توجه به اینکه دکارت امکان معرفت را پذیرفته، حال پرسش این است که وی چه سازوکار، فرایند و مراحل را در مورد بدست آوردن علم برای عالم ترسیم کرده است؟ دکارت در این مرحله از طریق شهود و استنتاج و تمسک به عدم فریبندگی خداوند به استخراج معرفت پرداخته است.

استاد مصباح در بررسی و نقد خویش از نظریه فرایند شناخت دکارت معتقد است اینکه وجود هیچ چیزی باندازه شک روشن و یقینی نیست و حتی وجود شاک هم باید از راه وجود شک معلوم شود، صحیح نمیباشد و تصورات فطری

۱۰۳

۱. رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی حکمت و فلسفه ایران  
۲. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ hesamodin.momeni@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۴ تاریخ تأیید: جلسه هیئت تحریریه ۹۲/۲/۱۶



مدنظر دکارت را قابل قبول ندانسته است.

نگارنده در نوشتار حاضر بر آن است تا به تبیین نظریه فرایند و ساختار شناخت دکارت و بررسی و نقد آن از منظر استاد مصباح پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** مصباح، دکارت، فرایند و ساختار، بررسی و نقد

\* \* \*

## ۱. مقدمه

معرفت از جمله مباحث مطرح در فلسفه اولی است؛ چرا که ملاک فلسفی بودن یک مسئله این است که موضوع آن «موجود بما هو موجود» - اما بدون تخصص طبیعی یا تعلیمی - باشد. عبارت دیگر، موجود پیش از آنکه موجود طبیعی و یا ریاضی تلقی گردد، موضوع فلسفه است. این موجود، دارای عوارضی است که یکی از آنها «علم، عالم و معلوم» بودن آن است؛ پس بحث از علم، از مسائل فلسفه اولی شمرده میشود.<sup>(۱)</sup>

پرسشها و مباحث بنیادینی در شناخت‌شناسی مطرح میگردد؛ اما در نظریات معرفتی معاصر، معمولاً سه پرسش معرفت چیست؟ به چه اموری میتوان معرفت داشت؟ چگونه و از چه طریقی میتوان به معرفت دست یافت؟ مهمترین محورهای معرفت‌شناسی محسوب میشوند.<sup>(۲)</sup>

بخشی از تاریخ معرفت‌شناسی را شک‌گرایان تشکیل داده‌اند که برغم نگاه منفی و بدبینانه خویش به مسئله امکان و قلمرو معرفت، ما را در نیل به فهم و تحلیل دقیق مباحث معرفت‌شناسی یاری مینمایند و میتوان گفت بدون معضل شکاکیت، نظریات شناخت را بدرستی نمیتوان دریافت.<sup>(۳)</sup>

اگرچه مباحث شک‌گرایی دارای قدمتی باندازه تاریخ اندیشه فلسفی انسان است، اما مباحثی که در فلسفه جدید از عصر دکارت ببعد درباره «شک» مطرح شد، از ویژگی متمایزی نسبت به دوران قدیم برخوردار است. شک‌گرایی در یونان باستان، بیشتر حول محورهای اخلاقی و آداب زندگی رواج داشت و واکنشی نسبت به شیوه مرسوم آزاداندیشی آن عصر بحساب می‌آمد، اما دکارت مسئله شک را بصورت مسئله‌ی فنی و تخصصی که از خصلت کاملاً فلسفی برخوردار است، تدوین کرد.<sup>(۴)</sup> دکارت که بنیانگذار «اصالت عقل» جدید و مروج روش مناسب با آن شناخته